



Progress in the European Union's Common Foreign and Security Policy: A Comparative Case Study of the Kosovo and Ukraine Crises

Yousof Molaei

Assistant Professor of International Relations, Faculty of Law and Political Science,
University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: ymolaei@ut.ac.ir

Issa Adeli

MA in International Relations, Faculty of Law and Political Science, University of
Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: isadeli@ut.ac.ir

Abstract

This article evaluates the progress of the European Union's Common Foreign and Security Policy (CFSP) following the Lisbon Treaty by conducting a comparative case study of the Kosovo conflict (1999) and the Ukraine crisis (2014). The study first examines the differences between the Lisbon and Maastricht Treaties, then analyzes the characteristics of the two crises, and finally assesses the EU's foreign policy performance in each context. Findings indicate that the EU's response to the Ukraine crisis demonstrated greater cohesion and effectiveness compared to the Kosovo conflict. However, despite improvements in coordination and decision-making mechanisms post-Lisbon, challenges persist, particularly regarding the attainment of positive peace. This study highlights the evolving role of the EU as a supranational actor in foreign and security affairs and offers insights into the implications of treaty reforms on the Union's crisis management capacity.

Keywords: Common Foreign and Security Policy, Common Security and Defence Policy, Kosovo Crisis, Ukraine Crisis, Lisbon Treaty

پیشرفت در سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا: مطالعه موردی بحران اوکراین و کوزوو

یوسف مولایی

استادیار دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، ایران.

Email: ymolaei@ut.ac.ir

عیسی عادل

دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: isadeli@ut.ac.ir

چکیده

هدف مقاله حاضر، ارزیابی میزان موفقیت سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا پس از لیسبون با استفاده از مطالعه موردی در بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ و مقایسه آن با جنگ کوزوو در سال ۱۹۹۹ است. بدین منظور، ابتدا معاهده لیسبون و تفاوت های آن با معاهده ماستریخت مورد بررسی قرار گرفته است؛ سپس به تفاوت های بحران اوکراین با بحران کوزوو اشاره شده است. همچنین در نهایت عملکرد دستگاه سیاست خارجی اتحادیه اروپا در خصوص این بحران مورد ارزیابی قرار گرفته است.

کلیدواژه ها: سیاست خارجی و امنیتی مشترک، سیاست دفاعی و امنیتی مشترک، کوزوو، بحران اوکراین، توافق لیسبون.

مقدمه

داشتن یک صدای واحد در قبال مسائل بین‌المللی، از ابتدای روند همگرایی، به‌ویژه بعد از ماستریخت، یکی از آرزوهای فدرالیست‌های اروپایی بوده و هست. از دلایل آن می‌توان از واکنش به اتفاقات دنیای پس از جنگ سرد و سردرگمی اروپاییان از جایگاه خود در این جهان تک‌قطبی وابستگی متقابل نام برد. بحران‌هایی نظیر بحران جنگ دوم خلیج‌فارس، بحران بوسنی و کوزوو و حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، اروپاییان را در برابر پرسش از نقش خود در معادلات بین‌المللی قرار داده است. مواد مرتبط با سیاست خارجی در توافقات ماستریخت، آمستردام، نیس و لیسبون، هر یک تلاشی بوده‌اند برای پاسخ به این پرسش. در عین حال دولت‌های اروپایی، هر جا که پای منافع مستقیم آن‌ها در میان باشد؛ خود به میدان می‌آیند؛ نظیر بحران بدهی‌های یونان و هر جا که موضوعات از منافع مستقیم آن‌ها دور باشد؛ مانند بحران خاورمیانه و یا مذاکرات پرونده هسته‌ای ایران در دوره‌ای که این مذاکرات جدی نبود؛ نماینده عالی سیاست خارجی خود را روانه می‌کنند. بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ سنگ محک خوبی است؛ زیرا مسئله اوکراین هم ربط مستقیم به منافع ملی کشورها دارد و هم محل تقابل آمریکا و روسیه است. بنابراین، اروپاییان به‌خوبی دریافته‌اند که صدای منفردشان شنیده نخواهد شد.

انگیزه‌های همگرایی در هر دوره‌ای در پاسخ به یک چالش عمده بین‌المللی شکل می‌گرفت. ابتدا با مهار آلمان شروع شد تا به جامعه زغال و فولاد انجامید. سپس ترس از کمونیسم انگیزه‌ای شد برای شکل دادن به یک ارتش اروپایی. بعد از آن اختلافات آتلانتیکی، استقلال از آمریکا و شکل دادن به یک هویت اروپایی زمینه‌ساز همکاری‌های سیاسی شد. بعد از جنگ سرد، بحران‌های شرق اروپا و ناتوانی اروپاییان از حل آن‌ها، به‌طور ویژه بحران کوزوو، آنان را به فکر ایجاد نهادهای مشترک در سیاست خارجی و دفاعی انداخت. در سال‌های اخیر، به‌ویژه بعد از بحران گرجستان، بحران گاز در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹، تمرکز همگرایی اروپایی‌ها در سیاست خارجی متوجه روسیه شد. از این جهت بحران اوکراین برای این مطالعه در نظر گرفته شده است که نقطه اوج این تنش‌هاست.

آنچه را که می‌توان موتور محرک اروپا در حرکت به سمت یک سیاست خارجی و دفاعی مشترک بعد از آمستردام نامید؛ شکست اتحادیه در قبال بحران کوزوو بود (Latawski & Smith, 2003). پس از پانزده سال از آن بحران، بحرانی دیگر در شرق اروپا، فرصتی را فراهم آورده است تا بتوانیم قضاوت کنیم؛ آیا رفتار اتحادیه در قبال این



بحران تفاوت جدی با بحران قبلی دارد. البته هر بحرانی شرایط زمانی و مکانی خود را دارد. بنابراین در این پژوهش، پیش از ارزیابی عملکرد سیاست خارجی و دفاعی مشترک، زمینه‌های دو بحران نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. اگرچه نمی‌توان کاملاً عوامل زمینه‌ای را از عوامل عملکردی تفکیک کرد؛ اما آگاهی از آن‌ها موجب بهبود تحلیل نهایی می‌شود.

۱. تفاوت‌های معاهده لیسبون و ماستریخت

اگرچه نخستین نشانه‌های هماهنگی در سیاست خارجی به گزارش «داوینیون»^(۱) در سال ۱۹۷۰ برمی‌گردد (Dedman, 2010)؛ اما سیاست خارجی مشترک به‌عنوان یکی از ارکان اتحادیه اروپا در معاهده ماستریخت برای اولین بار مطرح شد و نهادهای آن در آمستردام شکل گرفتند. بعد از اضافه شدن دوازده کشور در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۷، خطر عدم انسجام در سیاست‌های کلان اتحادیه وجود داشت. معاهده لیسبون به وجود آمد تا اروپا بیشتر به‌صورت یک بلوک منسجم عمل کند (Waterfield, 2009). هدف دیگر این معاهده افزایش کارایی و دموکراسی در درون اتحادیه و در روابط خارجی آن بود (ایزدی، ۱۳۸۷). شاید مهم‌ترین تغییر در معاهده لیسبون از جهت نقشی که در سیاست خارجی مشترک اتحادیه ایفا خواهد کرد؛ اضافه شدن دو پست رئیس شورای اروپا توسط یک سیاست‌مدار به مدت دو سال به‌جای ریاست شش‌ماهه هر یک از کشورهای عضو و پست نماینده عالی سیاست خارجی و امنیتی مشترک است. از دیگر تغییرات، افزایش نقش جمعیت در مقابل واحدهای سیاسی است. به همین دلیل نقش کشورهای ایتالیا، فرانسه، اسپانیا، لهستان و به‌ویژه آلمان پررنگ‌تر خواهد شد. همچنین تغییر شیوه رأی‌گیری در مورد پنجاه موضوع مورد بحث اعمال خواهد شد که در این بین موضوع سیاست خارجی مشترک کمی متفاوت است. از یک‌طرف همان‌طور که از اسم آن پیداست همانند مهاجرت و تروریسم نیاز به یک سیاست واحد و مشترک دارد؛ از طرف دیگر همانند مالیات، حساسیت حاکمیتی در مورد آن وجود دارد. راه‌حلی که برای آن در نظر گرفته شده ماده ۳۱ معاهده است. اگر یکی از اعضا با ذکر دلیل موضوعی را در حوزه سیاست‌های حاکمیتی بداند؛ رأی‌گیری متوقف شده و نماینده عالی با آن عضو رایزنی می‌کند تا به راه‌حلی دست یابند. در صورتی که این رایزنی نتیجه‌ای حاصل نکند؛ موضوع با رأی اکثریت کیفی به شورای اروپایی محول می‌شود. تصمیم‌گیری در شورای اروپایی هم بر اساس اتفاق آرا خواهد بود. تغییرات دیگری

نظیر کوچک شدن کمیسیون و کاهش کرسی‌های پارلمان هم در معاهده پیش‌بینی شده که ارتباط مستقیمی به موضوع پژوهش حاضر ندارد. نکته مهم در خصوص معاهده لیسبون، جایگاه نماینده عالی سیاست خارجی و امنیت مشترک است. این نماینده جایگزین مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا که منتخب شورا بود و کمیسیون روابط خارجی کمیسیون اتحادیه اروپا می‌شود. درواقع، این سیاست‌مدار اروپایی رابط بین نهاد فراملی کمیسیون و یک‌نهاد بین دولتی شورا هست و این موضوع قدرت چانه‌زنی وی را افزایش می‌دهد. وی علاوه بر این سه سمت دیگر هم دارد: رئیس شورای امور خارجی، رئیس سرویس اقدام خارجی (Laursen, 2012) و همچنین رئیس آژانس دفاعی اروپا. معاهده لیسبون همچنین به اتحادیه اروپا یک شخصیت حقوقی واحد اعطا می‌کند؛ که از ترکیب «جامعه اروپا»^۱ و «اتحادیه اروپا»^۲ پدید آمده است (Piris, 2010).

این موضوع بازهم قدرت چانه‌زنی نهادهای این اتحادیه به‌ویژه نماینده عالی را افزایش می‌دهد. از دیگر ابتکارات معاهده ایجاد سرویس اقدام خارجی است که موجب هم‌گرایی بیشتر نهادی در اجرای سیاست‌های خارجی اتحادیه می‌شود و همانند بدنه یک وزارت امور خارجه عمل می‌کند. کارکنان سرویس اقدام خارجی از میان اعضای دبیرخانه کمیسیون، شورای اروپا و سرویس‌های دیپلماتیک کشورهای عضو انتخاب می‌شوند (مجیدی و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین ماده ۲۱۵ معاهده لیسبون به اقدامات قهرآمیز اتحادیه اختصاص یافته است که ابزار مهمی در اجرای سیاست خارجی این اتحادیه می‌تواند باشد.

۲. تفاوت‌های بحران کوزوو و اوکراین

بحران کوزوو در ۲۸ فوریه ۱۹۹۸ آغاز شد. اختلاف میان آلبانی تبارهای کوزوو و صرب‌های منطقه بود که نهایتاً به درگیری مسلحانه ارتش جمهوری فدرال یوگسلاوی و ارتش آزادی‌بخش کوزوو منتهی شد. بعد از آغاز درگیری‌ها مذاکراتی برای حل‌وفصل منازعه شروع شد که به توافق رامبویلت منتهی شد. اما یوگسلاوی از امضای آن خودداری کرد. اسلوبودان میلوسویچ تصمیم گرفت تا این منطقه را از وجود آلبانی تبارها پاک کند و بعد از سرباززدن از امضای توافق‌نامه روند پاک‌سازی قومی را تشدید کرد. بیش از ده هزار نفر از آلبانی تبارها کشته و ۸۵۰ هزار نفر آواره شدند. در تاریخ

1. EC
2. EU



۲۴ مارس ۱۹۹۹ جنگ داخلی با دخالت نیروی هوایی ناتو تبدیل به یک مناقشه بین‌المللی شد. ۲۳ آوریل همان سال نیروهای ناتو تصمیم گرفتند تا حملات هوایی را تشدید کنند و علاوه بر آن نیروهای زمینی را هم وارد منطقه کنند. جنگ نهایتاً در تاریخ ۱۰ جون ۱۹۹۹ پایان یافت و یوگسلاوی تسلیم خواست‌های ناتو و آمریکا شد و توافق‌نامه را امضا کرد. در نتیجه آن نیروهای یوگسلاوی از کوزوو خارج شدند و نیروهای بین‌المللی موسوم به «کافور»^۱ برای نظارت بر حسن اجرای توافق در آنجا مستقر شدند (Quackenbush, 2014).

بعد از پایان این بحران، در سه مورد دیگر در سال‌های ۲۰۰۴، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۳ درگیری‌های داخلی مجدداً اوج گرفتند که خونین‌ترین آن‌ها درگیری‌های سال ۲۰۰۴ بود (Collaku, 2015). درگیری‌های سال ۲۰۱۳ با میانجیگری اتحادیه اروپا پایان یافت (Vasovic & Pawlak, 2013)؛ که می‌توان آن را موفقیتی برای اتحادیه دانست. بحران کوزوو در سال ۱۹۹۸، اولین جنگ ناتو و اولین مداخله نظامی این سازمان، بدون مجوز شورای امنیت بود. در عین حال در این بحران اولین بار سازمان ملل کنترل اداره یک منطقه را به دست گرفت. در نهایت این مداخلات باعث ایجاد جدیدترین کشور اروپایی شد (Bislimi, 2012).

بحران اوکراین زمانی شروع شد که ویکتور یانوکویچ در ۲۱ نوامبر ۲۰۱۳ در برابر دریافت ۱۵ میلیارد دلار کمک از روسیه، توافق تجاری خود با اتحادیه اروپا را به حالت تعلیق درآورد. به دنبال آن سه ماه اعتراض خیابانی باعث شد تا دولت وی در ۲۲ فوریه ۲۰۱۴ سقوط کند. پس از آن مردان مسلح طرفدار روسیه، پارلمان و دو فرودگاه در کریمه را تصرف کردند. در ۱۶ مارس ۲۰۱۴ رفراندومی در کریمه برگزار شد که در آن مردم به الحاق این بخش به روسیه رأی دادند. به دنبال انتخاب پترو پروشچکو، در ۲۷ جون ۲۰۱۴ قرارداد تجاری مابین اوکراین و اتحادیه اروپا امضا شد. پس از چندین بار شکست مذاکرات، در ۱۲ فوریه ۲۰۱۵ سران اوکراین، روسیه، آلمان و فرانسه برای پایان دادن به خشونت‌ها به توافق رسیدند که به توافق مینسک دو مشهور شد. مقایسه کوزوو و کریمه از ابتدا با انگیزه‌های سیاسی و از سوی ولادیمیر پوتین مطرح شد (Putin, 2014)؛ در واقع استقلال کوزوو توجیهی بود برای الحاق کریمه. در این میان اما مخالفان می‌گویند که اولاً خونریزی‌ها در کریمه انگیزه دخالت غرب بوده در حالی که در کریمه، هیچ خشونت سازمان‌یافته‌ای مشاهده نشده بود. دلیل دیگر اشاره به رأی مشورتی دادگاه بین‌المللی دادگستری دارد که در سال ۲۰۱۰ استقلال کوزوو را ناقض حقوق

1. KFOR

بین‌الملل ندانست. استدلال دادگاه این بود که حقوق بین‌الملل هرگز اعلامیه استقلال را غیرقانونی نمی‌داند و آن را موضوعی داخلی تلقی می‌کند. دادگاه در توجیه رأی خود علیه قطعنامه شورای امنیت به این نکته اشاره می‌کند که شورای کوزوو نقش رسمی نداشته و صرفاً بیانگر خواست مردم کوزوو بوده؛ لذا می‌تواند قطعنامه‌های شورای امنیت را نادیده بگیرد. این بحث هم‌چنان ادامه دارد؛ به‌ویژه این که هر استدلالی می‌تواند به موارد مشابه تسری یابد (Parish, 2014)؛ اما گذشته از استدلال‌های سیاسی که در توجیه اقدامات انجام‌شده توسط روسیه و یا ناتو در هر یک از این دو کشور انجام‌شده است؛ تفاوت‌های این دو بحران را در دو سطح کلان نظام بین‌الملل و سطح خرد داخلی می‌توان در دو بخش موردبررسی قرارداد:

۲-۱. تفاوت در نظام بین‌الملل

۲-۱-۱. همراهی روسیه و آمریکا در دهه نود در مقابل تنش‌های دهه ۲۰۱۰

دهه نود اوج دوران همکاری آمریکا و روسیه بعد از جنگ سرد است. این روند تا دو سال بعد از یازده سپتامبر تحت تأثیر فضای احساسی آن حادثه ادامه پیدا کرد. جنگ خلیج فارس و حوادث بوسنی آغاز بی‌دردسر فرایند عضویت کشورهای اروپای شرقی در اتحادیه اروپا و ناتو و حتی برقراری رابط نهادی مابین ناتو و روسیه از دستاوردهای این حسن همکاری بود. حمله ناتو به کوزوو اگرچه با مجوز شورای امنیت همراه نبود؛ اما روسیه اقدامی در این خصوص انجام نداد.

۲-۱-۲. انسجام بیشتر اتحادیه در سایر موضوعات

تلاش اروپا برای انسجام بیشتر بعد از ماستریخت روی سیاست خارجی و دفاعی تمرکز یافت. در دهه ۱۹۹۰ اروپا نتوانست در زمینه‌ی سیاست خارجی به انسجام لازم دست پیدا کند و علت آن نیز نبود ابزارهای لازم و ازجمله آن تشریک‌مساعی در زمینه‌های دفاعی - امنیتی بود. تنها بعد از دیدار شیراک و بلر در سن مالو بود که به‌تدریج توافق در زمینه هویت دفاعی اروپا فراهم شد. درعین حال سال ۱۹۹۹ یورو رسماً واحد پول اروپا شد و توافقات شنگن گسترش پیدا کرد. به‌تدریج نهادهای اروپایی روند گسترش و تعمیق را طی کردند. این روند پس از لیسبون شتاب بیشتری گرفت و سازمان دفاعی و سیاست خارجی با تشکیل کمیته سیاسی-دفاعی، کمیته نظامی، ستاد نظامی، سرویس اقدام خارجی و غیره سازمان‌دهی بیشتری پیدا کرد.



۲-۱-۳. تجربه چندین مأموریت حفظ صلح در اتحادیه

بر طبق ارزیابی مدرسه علوم سیاسی و اقتصادی لندن، بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴، اتحادیه اروپا ۱۰ عملیات حفظ صلح نظامی و غیرنظامی در اروپا، و ۲۳ عملیات مشابه در آفریقا، خاورمیانه و آسیا انجام داده است (EU, 2003). علاوه بر این‌ها وزرای اتحادیه اروپا غربی، سال ۱۹۹۲ در بن آلمان تصمیم گرفتند تا در همکاری مشترک با اتحادیه اروپا مأموریت‌های انسان دوستانه، حفظ صلح و مدیریت بحران را انجام دهند. در معاهده آمستردام، این مأموریت‌ها به معاهده اتحادیه اروپا اضافه شد. با تأسیس آژانس دفاعی اتحادیه اروپا، عملاً اتحادیه اروپای غربی منحل و کلیه مأموریت‌ها زیر نظر آژانس دفاعی اتحادیه اروپا و تحت ریاست نماینده عالی اجرا می‌گردد (Treaty of Amsterdam, 1997).

۲-۱-۴. اهمیت استراتژیک اوکراین برای روسیه و اروپا

نگاهی گذرا به نقشه جغرافیا، مساحت، میزان جمعیت و سطح توسعه‌یافتگی اوکراین نسبت به کوزوو به خوبی تفاوت دو کشور را نشان می‌دهد. اوکراین برای روسیه اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. این اهمیت فقط ژئوپلیتیک نیست؛ بلکه هویتی و احساسی هم هست؛ آن قدر که به آن لقب بلاروس دوم هم داده‌اند (Velychenko, 2007)؛ در صورتی که اوکراین از کنترل و نفوذ روسیه خارج شود و با پذیرش الگوهای غربی در تقابل با روسیه قرار گیرد؛ هویت روسیه با چالش روبرو می‌شود (صفری و وثوقی، ۱۳۹۵). بسیاری از شهرهای پرافتخار روسی مانند سواستوپل و ادسا در اوکراین واقع شده است. کیف یکی از مظاهر مهم خودآگاهی و اصالت قومی روسیه بوده است. در تاریخ روسیه، کیف همیشه به عنوان پایتخت اول اراضی روسی (مادر شهرهای روسی) و بانی فرهنگ و نظام دولتی روسی تلقی می‌شد (زادوخین، ۱۳۸۴، به نقل از صفری، و وثوقی، ۱۳۹۵). از طرف دیگر جامعه اوکراین روزبه‌روز نسبت به جامعه روسیه بیگانه‌تر و دارای احساسات خصمانه‌تری می‌شوند. طبق نظرسنجی مؤسسه گالوپ که در فوریه ۲۰۱۸ منتشر شده است؛ هر چه از زمان درگیری‌ها می‌گذرد؛ احساسات دو ملت نسبت به یکدیگر خصمانه‌تر می‌شود و در این مورد اوکراینی‌ها از روس‌ها پیشی گرفته‌اند. در سال ۲۰۱۴، تنها ۱۷ درصد اوکراینی‌ها معتقد بودند که باید رابطه با روسیه را قطع کرد. این عدد در سال ۲۰۱۷ به ۳۹ درصد رسیده است (Ray & Neil, 2018). اوکراین به لحاظ ژئواکونومیک هم برای روسیه اهمیت دارد. در زمان شوروی، اوکراین دومین جمهوری مهم از نظر اقتصادی بود و بخش مهمی از صنایع نظامی اتحادیه در این کشور قرار

داشت. در سال ۲۰۱۷، بیش از یک سوم گاز صادراتی روسیه به اروپا از اوکراین گذشته است (Russian gas exports via Ukraine up 23 pct this year, 2017). این عدد اگرچه نسبت به پیش از بحران کریمه بسیار پایین تر است؛ اما خود نشان دهنده انحصار اوکراین در ترانزیت گاز صادراتی به روسیه است.

اوکراین به لحاظ ژئوپلیتیک نیز برای روسیه اهمیت دارد. پایگاه نیروی دریایی این کشور در سواستوپل تنها مسیر دریایی روسیه به آب های گرم است که امکان دسترسی این کشور به دریای سیاه، دریای مدیترانه و حتی اقیانوس اطلس را فراهم می کند. اما اهمیت اوکراین برای اروپا بیشتر از آن که تاریخی و هویتی باشد جغرافیایی است. با گسترش وسایل حمل و نقل اوکراین هم اکنون در قلب قاره اروپا قرار گرفته است. ناآرامی در این کشور ناآرامی در داخل مرزهای اروپا محسوب می شود. سیل پناهندگان که از اوکراین می توانند راه اروپا را در پیش بگیرند؛ می تواند بر نگرانی ها بیفزاید. از سوی دیگر رقابت های آمریکا و روسیه نیز موجب نگرانی اروپایی هاست تا آنجایی که عده ای بحران اوکراین را آغاز جنگ سرد دوم می دانند (Legvold, 2015).

۲-۲. تفاوت داخلی دو سرزمین

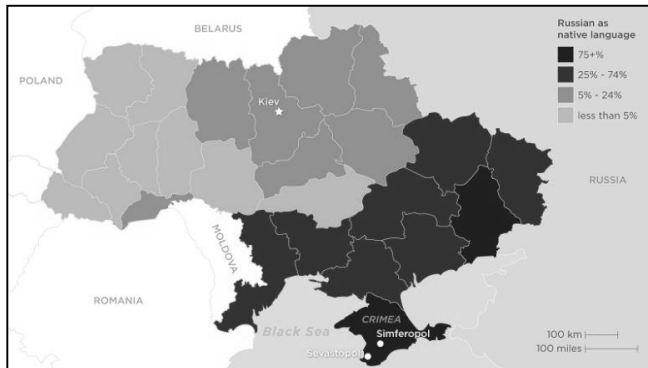
۲-۲-۱. برخورد های خشونت بارتر در کوزوو

اگر بحران اوکراین در غرب این کشور را از بحران کریمه جدا کنیم؛ تعداد کشته های بحران اوکراین بر اساس برخی تخمین ها بین ۱۱۰ تا ۱۲۳ نفر برآورده شده است (Kozlenko & Heintz, 2015). البته بعد از بحران اوکراین و مداخلات خارجی متعاقب آن، در شرق اوکراین در منطقه دونباس، طبق آمار دفتر کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، بیش از ده هزار نفر کشته شدند (Rights, 2017).

آنچه بحران کوزوو را وخیم تر کرد دو چیز بود: اول تجربه بوسنی و احتمال رخ دادن وقایع مشابه. بحران کوزوو زیر سایه اتفاقات یوگسلاوی بسیار وخیم تر به نظر می رسید. در بحران بوسنی ۱۴۰ هزار نفر کشته، ۷۵۰ هزار نفر ناپدید، دو میلیون نفر آواره و ۳۰۰ هزار زن مورد تجاوز قرار گرفتند (Cohen, 1993). کمپینی که صرب ها به راه انداخته بودند تا سال ۱۹۹۹ باعث آوارگی ۱/۵ میلیون نفر شد که این رقم حدود ۹۰ درصد جمعیت کوزوو بود (Lindsay, 2017). تعداد کشته های این جنگ هم حدود ۱۱۰۰۰ نفر تخمین زده شده است که البته بسیار کمتر از آمار ناتو و ایالات متحده است (Tweedie, 2009).

۲-۲-۲. مبنای قومی بحران کوزوو

می‌توان ترکیب جمعیتی و شکاف اجتماعی جامعه اوکراین را حول محور مسائل قومی و زبانی تقسیم‌بندی کرد. شکل زیر نقشه اوکراین را بر اساس تفکیک زبانی نشان می‌دهد:



شکل ۱: نقشه زبان‌های رایج در اوکراین (A divided Ukraine, 2014).

اما آنچه علت اصلی اعتراضات بوده نوع رابطه اوکراین با جهان خارج است. به‌عنوان مثال روس‌زبانان در مناطق غربی هم نسبت به فساد در دولت یانوکویچ اعتراض داشته‌اند و درعین حال بخش مهمی از آنان خواهان حفظ تمامیت ارضی اوکراین هستند. درحالی‌که بحران کوزوو کاملاً ماهیت قومی داشته و خشونت‌ها در خطوط گسل قومی در کوزوو کاملاً واضح است.

۳-۲-۲. تاریخچه روابط اتحادیه اروپا و اوکراین

سیاست خارجی اوکراین از سال ۱۹۹۱ بین دو گزینه در نوسان بوده است: ادغام با روسیه و ساختار CIS و یا ادغام در اتحادیه اروپا. در پایان دهه ۱۹۹۰ به نظر می‌رسید که این کشور، اروپا را انتخاب کرده است. اما از ابتدای قرن بیست‌ویک روسیه تلاش داشت تا اوکراین را در ساختار خود به‌ویژه در فضای «اقتصادی مشترک»^۱ درگیر کند (Velychenko, 2007). گسترش اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۰ اوکراین را به یک همسایه مهم، با جمعیت فراوان و فرصت‌های اقتصادی جذاب تبدیل کرد. برای تمرکز بر روابط اروپا و اوکراین، به‌ویژه از منظر نهادهای همکاری، شاید بهتر باشد به توافقات فی‌مابین اشاره داشته باشیم.

در سال ۱۹۹۴ توافق‌نامه مشارکت و همکاری (PCS) امضا شد که تصویب آن در

تمام کشورهای عضو اتحادیه تا سال ۱۹۹۸ طول کشید. توافقاتی که با این عنوان مابین «کشورهای تازه استقلال یافته»^۱ از شوروی سابق و اتحادیه اروپا امضا می‌شوند؛ حالتی میانه دارند تا هم وضعیت موجود این کشورها از نظر سیستم سیاسی-اجتماعی به‌جامانده از شوروی سابق را در نظر بگیرند و هم زمینه را برای توافقات جامع‌تر با اتحادیه اروپا آماده کنند؛ که احتمالاً کاملاً تحت فرایند گذار به بازار آزاد و دموکراسی‌سازی خواهند بود. تمرکز این توافق‌نامه مسائل اقتصادی اجتماعی بود (Schneider, 2001). این توافق‌نامه در سال ۲۰۰۸ خاتمه یافت. پیش از آن «برنامه اقدام مشترک اروپا-اوکراین»^۲ در سال ۲۰۰۵ بین طرفین امضا شد.

سیاست همسایگی اتحادیه اروپا یکی از ابزارهای سیاست خارجی اتحادیه اروپا هست که به‌منظور حفظ امنیت و ثبات در کشورهای همسایه اتحادیه در شرق و جنوب این قاره در سال ۲۰۰۳ پایه‌گذاری شد. این سیاست از دو بخش برنامه مشارکت شرقی^۳ و مشارکت یورو-مدیترانه^۴ تشکیل شده است. برنامه مشارکت شرقی شامل شش کشور از اقمار سابق شوروی از جمله اوکراین است که از سال ۲۰۰۹ شروع به کار کرده است. در هریک از این موارد اتحادیه با کشورها قراردادهای اتحادیه^۵ امضا می‌کند تا این کشورها را در قبال دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون متعهد کند (Kostanyan, 2017). اما در مورد اوکراین، این قرارداد به یک تنش سیاسی داخلی و بعد از سقوط دولت، به یک تنش بین‌المللی تبدیل شد؛ تا این‌که بالأخره در اول سپتامبر ۲۰۱۷ قرارداد امضا و عملیاتی شد (Jozwiak, 2017). توافق تجارت آزاد جامع و عمیق^۶ بین اروپا و اوکراین که از اول ژانویه ۲۰۱۶ اجرایی شد؛ مهم‌ترین سیاست تجاری اتحادیه اروپا در قبال اوکراین است. این بخشی از قرارداد جامع‌تر مشارکت است. مذاکرات مربوط به آن بعد از الحاق اوکراین به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۸ شروع شد. هدف این توافق در وهله اول حذف تعرفه‌ها و سهمیه‌های تجاری و باز کردن درهای اتحادیه اروپا به روی صادرات اوکراین بود. اما در هدفی گسترده‌تر یکسان کردن استانداردها و متناسب کردن قوانین، هنجارها در بخش‌های گوناگون تجاری بود (Smith, 2016).

در مقاله‌ای در پژوهش‌نامه سیاست بین‌الملل، ناصر حکمت و محمدعلی رضائی

1. New Independent States
2. Joint EU-Ukraine Action Plan
3. Eastern Partnership
4. Euro-Mediterranean Partnership
5. Association Agreement
6. Deep and Comprehensive Free Trade Agreement



به بررسی علل ناکامی سیاست همسایگی اتحادیه اروپا در مورد اوکراین پرداخته‌اند. آنان این موارد را از دلایل شکست سیاست همسایگی اتحادیه اروپا در قبال اوکراین می‌دانند: ناسازگاری دموکراسی‌سازی و ایجاد ثبات، نبود یکپارچگی در سیاست خارجی اتحادیه، نبود چشم‌انداز الحاق، کم‌انگیزی در میان اوکراینی‌ها به دلیل عدم ارائه امکان تحرک کالا و انسان که اوکراینی‌ها به شدت به آن نیاز دارند، حمایت عملی اندک از انجمن‌های جامعه مدنی در اوکراین، مقدار کم کمک‌ها و عدم اختصاص آن به کارهای بلندمدت، بحران اقتصادی و ترجیح اعضای درگیر بحران به همسایگان. ضمن این‌که ضربه‌ای که بحران به اعضای ضعیف اتحادیه وارد کرد، جذابیت همگرایی را در میان همسایگان کاهش داد. سر آخر مداخله روسیه و چانه‌زنی دولت‌ها در اوکراین با اتحادیه برای نزدیکی بیشتر در مقابل نزدیکی به روسیه (حکمت، رضانی، ۱۳۹۴).

۴-۲-۲. عملکرد سیاست خارجی اروپا در بحران اوکراین

برای ارزیابی عملکرد سیاست خارجی اتحادیه اروپا، و به جهت این‌که این ارزیابی روشمند و در چهارچوب قابل‌بررسی دارای پایایی باشد؛ به سایت مشترک شورای اروپایی و شورای اتحادیه اروپا مراجعه کردیم و کلیه اقدامات انجام شده توسط اتحادیه در پاسخ به بحران اوکراین را مورد بررسی قرار دادیم. مواردی که در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ تنها شامل اقدامات رسمی خواهد بود و موضع‌گیری‌ها و دیدارهای دیپلماتیک مقامات اتحادیه از محدوده این پژوهش خارج‌اند. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد؛ بحران اوکراین ۲۱ نوامبر ۲۰۰۳ شروع شد. از تاریخ ۲۶ فوریه ۲۰۱۴ نیروهای شبه‌نظامی حامی روسیه شروع به اشغال کریمه کردند. اولین اقدام اتحادیه اروپا در تاریخ ۳ مارس همان سال در قالب یک جلسه فوق‌العاده شورای روابط خارجی برای بررسی وضعیت اوکراین بود. کریمه در تاریخ ۱۸ مارس ۲۰۱۴ به روسیه ملحق شد. آخرین آن‌ها تا زمان نگارش این مقاله در ۱۲ مارس ۲۰۱۸ بوده که شامل تمدید تحریم‌ها علیه نقض‌کنندگان تمامیت ارضی اوکراین تا سپتامبر ۲۰۱۸ است. کلیه اقدامات محدودکننده اتحادیه اروپا بر اساس تقسیم‌بندی ارائه شده در وب‌سایت مشترک شورای اروپایی و شورای اتحادیه اروپا به شرح زیر است:

♦ اقدامات دیپلماتیک

- در سال ۲۰۱۴، نشست سران روسیه و اتحادیه لغو شد و گفت‌وگوها پیرامون مسائل مربوط به ویزا و توافقات فی‌مابین روسیه و اتحادیه لغو شد؛
- نشست جی ۸ در سوچی لغو و به جای آن نشست جی ۷ (بدون حضور روسیه)

- در بروکسل برگزار شد. از آن پس دیگر روسیه به این نشست دعوت نشد؛
- گفت وگوها پیرامون عضویت روسیه در سازمان امنیت و همکاری اروپا و آژانس بین المللی انرژی تعلیق شد.

❖ اقدامات تنبیهی

- ایجاد محدودیت برای افراد (شامل مسدود کردن دارایی ها و محدودیت سفر (۱۵۰) شخص و ۳۸ شرکت به دلیل نقض تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت اوکراین مشمول مسدودی دارایی و محدودیت مسافرت شدند)؛
 - ایجاد محدودیت در مبادلات اقتصادی با کریمه و سواستوپل (ممنوعیت واردات کالا از کریمه و سواستوپل)؛
 - ممنوعیت تجارت و سرمایه گذاری در برخی بخش های اقتصادی و پروژه های زیربنایی؛
 - ممنوعیت ارائه خدمات توریستی به کریمه و سواستوپل؛
 - ممنوعیت صادرات برخی کالاها و تکنولوژی ها؛
 - تحریم های اقتصادی روسیه (این تحریم ها از جولای ۲۰۱۴ شروع شد و در مارس ۲۰۱۵ رفع آن ها منوط به اجرای کامل توافق مینسک شد)؛
 - محدودیت در همکاری های اقتصادی.
- فهرستی از مهم ترین اقدامات انجام شده توسط اتحادیه در پیوست یک آمده است. ضعف عملکرد اتحادیه اروپا در بحران کوزوو مورد اتفاق نظر بسیاری از سیاستمداران و پژوهشگران است. شپهرد در مقاله ای با عنوان «سنگ محکی در تاریخ اتحادیه اروپا: کوزوو و نقش بین المللی اتحادیه اروپا» اشاره کرد که اتحادیه اروپا در بحران کوزوو نشان داد که در جلوگیری، مهار و پایان منازعه در مرزهای خود ناتوان است (Shepherd, 2009).

❖ اقدامات اتحادیه اروپا در بحران کوزوو

- در مجموع، اهم اقدامات اتحادیه پیش از شروع بحران کوزوو را می توان به شرح زیر برشمرد:
- ایجاد مأموریت نظارتی بر جامعه^۱ (از سال ۱۹۹۶، ۲۲ اعلامیه، تصمیم یا اقدام مشترک در چارچوب سیاست خارجی و امنیتی مشترک)؛
 - تحریم اقتصادی دارایی های صربستان در خارج و ورود سرمایه به این کشور؛



- تحریم تسلیحاتی یوگسلاوی سابق، اتخاذ یک رویکرد جامع در حمایت از سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در مأموریت تحقیق کوزوو^۱.
 - اقدامات اتحادیه اروپا پس از شروع بحران کوزوو نیز شامل موارد زیر می‌شود:
 - ایجاد دولت موقت بین‌المللی تحت کنترل اتحادیه اروپا؛
 - ایجاد یک نیروی پلیس که بازتابی از شرایط اجتماعی کوزوو باشد؛
 - برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه؛
 - اعزام نیروهای نظامی بین‌المللی برای حفاظت از جمعیت کوزوو.
- مأموریت حاکمیت قانون کوزوو معروف به «ای یولکس»^۲ بزرگ‌ترین و گران‌ترین مأموریت در تاریخ اتحادیه اروپا بوده است. این مأموریت در سال ۲۰۰۸ آغاز شده و موفقیت چندانی هم نداشته است (An Insider's View of EU Efforts in Kosovo, 2012).

۳. بررسی تطبیقی

در بحران کوزوو همانند بحران بوسنی، دیپلماسی شکست خورد. در بحران اوکراین، اگرچه چندین بار توافق آتش‌بس شکست خورد اما در نهایت توافق مینسک باعث جلوگیری از گسترش بحران شد. دیپلماسی زمانی می‌تواند موفق شود که اقدامات قهرآمیز به‌عنوان ابزار چانه‌زنی در اختیار دیپلمات‌ها قرار گیرد. در بحران کوزوو قدرت قهرآمیز در اختیار اروپاییان قرار نداشت؛ اما در بحران اوکراین همان‌طور که در لیست اقدامات اشاره شد؛ نحوه و زمان اعمال تحریم‌ها با توافق‌نامه‌های منعقد شده میان طرفین پیوند خورد تا به‌عنوان اهرم فشاری در مذاکرات به کار آید.

اگرچه کوزوو بسیار کوچک‌تر و به لحاظ ژئوپلیتیک کم‌اهمیت‌تر از اوکراین است؛ اما به همان میزان هم موانع هماهنگی سیاست‌ها در آن کمتر است. علاوه بر این سیاست خارجی روسیه در اواخر دهه ۹۰ مانع‌تراشی کمتری نسبت به خواست‌های غرب نسبت به شرق اروپا داشت. اگرچه یلتسین تهدید کرده بود دخالت ناتو، روسیه را به یک جنگ اروپای یا جهانی می‌کشاند؛ ظاهراً کسی این تهدیدها را جدی نگرفت. در بحران اوکراین، اتحادیه اروپا در مقابل روسیه توانست حداقلی از هماهنگی را نشان دهد. از همه این‌ها مهم‌تر، بیسلیمی اشاره می‌کند اتحادیه اروپا علی‌رغم نزدیکی ژئواستراتژیک کوزوو، نسبت به وضعیت بحرانی این کشور بی‌توجه بوده است (Bislimi, 2012). این در حالی است که اتحادیه اروپا همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد؛ مدتی بعد

1. Kosovo Verification Mission

2. EULEX

از پایان جنگ سرد وارد یک سری روابط قراردادی با اوکراین شد تا ثبات، دموکراسی و ادغام این کشور در اتحادیه را تسهیل کند. نکته بسیار مهم دیگر این است که کوزوو به شرایط بعد از بحران رسیده است. اقداماتی که تحت عنوان حفظ صلح بعد از صلح سازی انجام می شود در کوزوو قابل بررسی است؛ درحالی که این موارد را در کریمه نمی توان بررسی کرد. کریمه از کنترل اتحادیه اروپا خارج است. وضعیت اوکراین نیز از منظر دولت سازی با کوزوو تفاوت دارد چراکه نهادهای حاکمیتی در اوکراین به قوت خود باقی مانده و در اثر بحران دچار فروپاشی نشده اند؛ درحالی که وضعیت در کوزوو بسیار شبیه به یک پروژه دولت سازی است. ایجاد تشکیلات پلیسی، برگزاری انتخابات و اعزام نیروهای نظامی به کوزوو از جمله مواردی است که در مورد اوکراین چندان موضوعیتی ندارد.

در خصوص اقدامات پس از بحران و پاسداری از صلح، امکان مقایسه تطبیقی وجود ندارد؛ چراکه در کوزوو علاوه بر ایولکس^۱ که از طرف اتحادیه اروپا فعالیت می کند؛ نیروهای «کی فور»^۲ که بر اساس مأموریت ناتو به وجود آمده اند نیز مشغول فعالیت اند و امکان تفکیک نتیجه حاصله مابین دو سازمان نیاز به پژوهشی جداگانه دارد. اما با توجه به این که مأموریت KFOR تمرکز بر رفع خشونت ها دارد و مأموریت EULEX بر حاکمیت قانون، می توان با مقایسه شاخص های صلح مثبت و منفی به یک نتیجه گیری ابتدایی رسید. صلح منفی که با شاخص «جی.پی.ای»^۳ اندازه گیری می شود از ۲۳ معیار تشکیل شده اند که حفظ صلح به معنای نبود خشونت را اندازه گیری می کنند. برخی از آن ها عبارت اند از: تعداد نیروهای پلیس، تعداد خودکشی ها، تعداد زندانی ها در هر صدهزار نفر، میزان دسترسی به اسلحه سبک، تعداد و زمان خشونت های داخلی، میزان کمک به عملیات حفظ صلح سازمان ملل و درصد هزینه نظامی از تولید ناخالص داخلی (Global Peace Index, 2017). این شاخص ها توسط موسسه اقتصاد و صلح «آی.ای.پی»^۴ اندازه گیری می شود. از آنجایی که این اندازه گیری ها از سال ۲۰۰۸ انجام می شده، به منظور پژوهش حاضر اعداد از یک سال قبل شروع بحران اوکراین، سال ۲۰۱۳، مورد بررسی قرار گرفته اند. در خصوص بحران کوزوو، اعداد مربوطه، صرفاً به منظور بررسی میزان موفقیت عملیات حفظ صلح گردآوری شده اند. اما شاخص های صلح مثبت ۲۴ تا هستند که برخی از آن ها عبارت اند از: دولت مداری مؤثر، فضای کسب و کار

1. European Union Rule of Law Mission in Kosovo (EULEX)

2. Kosovo Force (KFOR)

3. Global Peace Index

4. Institute for Economics and Peace



مناسب، توزیع متوازن منابع، روابط خوب با همسایگان، سطح پایین فساد و جریان آزاد اطلاعات (Positive Peace Report, 2017). اعداد به‌دست‌آمده برای کشور اوکراین در جدول زیر نمایش داده‌شده است:

اوکراین		
شاخص صلح مثبت	شاخص صلح منفی	سال
موجود نیست	۲/۲۳۸	۲۰۱۳
موجود نیست	۲/۵۴۶	۲۰۱۴
۳/۰۹۷	۲/۸۴۵	۲۰۱۵
۳/۰۹۷	۳/۲۸۷	۲۰۱۶
۳/۱۷	۳/۱۸۴	۲۰۱۷

اعداد مشابه برای کوزوو نیز در جدول زیر آمده است:

کوزوو		
شاخص صلح مثبت	شاخص صلح منفی	سال
موجود نیست	۱/۹۶۹	۲۰۱۳
موجود نیست	۱/۹۲۹	۲۰۱۴
۲/۵۶۴	۱/۹۳۸	۲۰۱۵
۲/۵۶۴	۲/۰۲۲	۲۰۱۶
۳/۶۱	۲/۰۰۷	۲۰۱۷

نتیجه‌گیری

اگر مواجهه با بحران را به دو سطح سیاسی و اجتماعی تقسیم کنیم؛ می‌توان گفت نقش اتحادیه اروپا در مواجهه با بحران اوکراین، هم به لحاظ تعداد کنش‌ها، هم به لحاظ نتیجه آن‌ها موفقیت‌آمیزتر بوده است. در بحران اوکراین نسبت به بحران کوزوو نقش آمریکا حداقلی بوده و توافقات مینسک یک و دو بدون دخالت مستقیم آمریکا حاصل شده است. شاید یک دلیل موفقیت آن، همین عدم دخالت مستقیم آمریکا بوده باشد. اصولاً منازعات شرق اروپا تا زمانی که مابین روسیه و اروپا جریان داشته باشد؛ بیشتر وجهه ژئوپلیتیک به خود می‌گیرد؛ اما زمانی که اختلافات از حالت منطقه‌ای خارج و به نزاع مستقیم مابین آمریکا و روسیه تبدیل می‌شود؛ جنبه ارزشی و هژمونیک پیدا کرده و راضی کردن طرفین به یک راه‌حل بینابینی دشوار می‌شود. به همین جهت

افزایش توانایی اروپا در حل بحران‌ها، فی‌نفسه امکان حل منازعه‌های این منطقه را افزایش می‌دهد. درعین‌حال، مرور ادبیات موجود و اظهارنظرهای کارشناسان، نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا در سطح اجتماعی، نهادسازی و صلح مثبت موفق عمل نکرده است. EULEX و موافقت‌نامه‌های مابین اتحادیه اروپا و اوکراین هیچ‌کدام نتوانسته جلوی بروز مجدد بحران را بگیرد. در خصوص سیاست همسایگی اتحادیه اروپا و دلایل شکست آن‌ها پژوهش‌های متعددی انجام‌شده است. نظر غالب در میان نوشته‌های علمی بر شکست این پروژه است. به مواردی از آن‌ها در مورد اوکراین و کوزوو اشاره شد. در خصوص نتایج به‌دست‌آمده با توجه به شاخص‌های صلح منفی می‌توان گفت وضعیت هر دو کشور در هر دو شاخص رو به بدتر شدن است. البته برای اوکراین از سال ۲۰۱۵ و برای کوزوو از سال ۲۰۱۶ اوضاع بهتر شده است. صلح مثبت اما همواره روند منفی را طی کرده است. در نتیجه اگر بخواهیم از اعداد به‌دست‌آمده یک نتیجه مشخص به عمل آوریم؛ به همان نتیجه‌ای می‌رسیم که تحلیل کیفی بررسی عملکرد اتحادیه در دو بحران به دست آمد: اتحادیه اروپا در زمینه صلح مثبت کم اثر بوده است؛ اگرچه در زمینه صلح منفی دستاوردهایی داشته است.

در نهایت لازم به یادآوری است که دو بحران مورد مطالعه تفاوت‌های جدی با یکدیگر دارند که نتایج به‌دست‌آمده را تا اندازه‌ای مخدوش می‌کنند. علم روابط بین‌الملل همانند علوم تجربی امکان فراهم آوردن شرایط آزمایشگاهی را ندارد. آزمایشگاه روابط بین‌الملل، تاریخ است. شرایط تاریخی در هر برهه‌ای منحصربه‌فرد است؛ که امکان مقایسه نسبتاً دقیق را سلب می‌کند؛ اما این تنها ابزاری است که در اختیار داریم. دانستن آن و پژوهش درباره آن، درک ما از واقعیت‌های بین‌المللی و نتایج اقدامات صورت گرفته را اندکی بهبود می‌بخشد. پژوهش حاضر با چنین نگاهی سعی در ارزیابی تلاش‌های اتحادیه در امر حفظ صلح و مدیریت بحران‌های بین‌المللی را داشت.

ضمیمه	
در جلسه فوق‌العاده شورای روابط خارجی، اجلاس سران جی ۸ که قرار بود در سوچی روسیه برگزار شود به حالت تعلیق در آمد.	۳،۳،۲۰۱۴
در اجلاس سران اتحادیه ضمن محکوم کردن اقدامات روسیه در اوکراین، اقدامات تنبیهی شامل مسدود کردن دارایی‌ها و ایجاد محدودیت سفر در نظر گرفته شود و مذاکراتی که از قبل در خصوص ویزای شهروندان روسی و توافقنامه جدید روسیه و اتحادیه اروپا آغاز شده بود به حالت تعلیق درآید.	۳،۶،۲۰۱۴



ضمیمه	
وزرای اتحادیه اولین مجموعه تحریم‌ها، شامل ۲۱ نفر از مقامات روسی و اوکراینی که در نقض تمامیت ارضی اوکراین نقش داشته‌اند را تصویب کردند.	۳،۱۷،۲۰۱۴
شورای اروپایی در پی اقدام روسیه به الحاق کریمه، ۱۲ نفر دیگر را به لیست تحریم‌ها اضافه نمود. علاوه بر آن اتحادیه اروپا نشست سران اتحادیه و روسیه را لغو تأکید که دولت‌های عضو هیچ نشست دو جانبه ای با روسیه نخواهند داشت. همچنین از کمیسیون خواست تحریم‌های وسیع‌تر اقتصادی و تجاری را آماده کند تا در صورت اقدامات بی‌ثبات کننده بیشتر از جانب روسیه، آن‌ها را اعمال کنند.	۳،۲۰،۲۰۱۴
اتحادیه تصمیم گرفت تا افراد بیشتری را به لیست تحریم‌های خود بیفزاید.	۴،۱۵،۲۰۱۴
به دنبال حوادث شرق اوکراین و کریمه، شورا تصمیم گرفت تا اقداماتی را که کمیسیون پیرو درخواست شورای اروپایی در مارس تدوین کرده است را به مرحله اجرا در آورد.	۵،۱۲،۲۰۱۴
شورا ضمن رد شناسایی الحاق غیرقانونی کریمه، ورود کالاهایی با منشأ کریمه یا سواستوپل را ممنوع کرده است.	۶،۲۳،۲۰۱۴
رهبران اروپا «چهار گام ویژه» را که می‌بایستی توسط روسیه و جدایی طلبان برای کاهش تنش در پیش گرفته شود را تدوین کردند. آن‌ها همچنین توافقنامه اتحاد را با اوکراین امضا کردند.	۶،۲۶،۲۰۱۴
در جلسه ویژه شورای اروپایی، ضمن اظهار تأسف از عدم اجرای چهار گام پیشنهادی در جلسه ماه جون، ۶ اقدام تنبیهی دیگر، شامل محدودیت در همکاری‌های اقتصادی را در پیش گرفتند.	۷،۱۶،۲۰۱۴
شورای مبنای حقوقی اقدامات تنبیهی علیه روسیه را گسترش داد که می‌تواند هر موجودیتی که به اقدام علیه اوکراین دست می‌زند را شامل شود.	۷،۱۸،۲۰۱۴
به دنبال سرنگونی هواپیمای MH17 وزرای اتحادیه خواستار نهایی شدن کار تدوین تحریم‌های اقتصادی در چهار حوزه شدند.	۷،۲۲،۲۰۱۴
شورای تحریم‌ها را توسعه دادند. کمیته نمایندگان دائمی شورا همچنین اقدامات اولیه برای تحریم‌های بیشتر را اتخاذ کردند.	۷،۲۵،۲۰۱۴
پیرو جلسه ۱۶ جولای، شورا بسته‌ای از تحریم‌های اقتصادی که شامل مبادلات در برخی بخش‌های اقتصادی می‌شود را به مرحله اجرا در آوردند.	۷،۲۹،۲۰۱۴
به دنبال افزایش تنش‌ها در اوکراین، شورای اروپایی خواستار اعمال تحریم‌های اقتصادی بیشتر علیه اروپا شدند.	۸،۳۰،۲۰۱۴
بسته جدید اقدامات تنبیهی شامل مبادلات با روسیه در بخش‌های اقتصادی خاص که در ۳۱ جولای تدوین شد به مرحله اجرا در آمد.	۹،۱۲،۲۰۱۴
وزرای اتحادیه اروپا از سرویس اقدام خارجی و کمیسیون اروپا خواستند تا پیشنهادی برای تحریم‌های بیشتر علیه جدایی طلبان اعمال کند.	۱۱،۱۷،۲۰۱۴

ضمیمه	
۱۱,۲۸,۲۰۱۴	پیرو درخواست شورای روابط خارجی ۱۳ شخص و ۵ تشکل جدایی طلبان مشمول تحریم ها قرار گرفتند. با این تصمیم تعداد افراد تحریم شده تاکنون به ۱۳۲ نفر و تعداد تشکل های تحریم شده به ۲۸ نفر رسید.
۲,۹,۲۰۱۵	شورای وزیران ۱۹ نفر و ۹ تشکل دیگر را مشمول تحریم ها قرار دادند. برای باز گذاشتن فضای دیپلماسی، این تحریم ها تا ۱۶ فوریه ۲۰۱۵ به تعویق افتادند.
۲,۱۲,۲۰۱۵	رهبران اروپا ضمن استقبال از توافق مینسک، اعلام کردند آماده اند تا در صورتی که توافقی و آتش بس اجرایی نشود، اقدامات لازم را به عمل آورند.
۲,۱۶,۲۰۱۵	طبق درخواست شورای روابط خارجی، تحریم های وضع شده در تاریخ ۹ فوریه را به حالت عملیاتی در آوردند.
۳,۵,۲۰۱۵	شورای وزیران اقدامات تنبیهی را علیه استفاده غیر مجاز از بودجه دولتی اتخاذ کردند.
۳,۱۳,۲۰۱۵	۱۵۰ شخص و ۳۷ تشکل دیگر مشمول تحریم های بیشتر قرار گرفتند.
۳,۱۹,۲۰۱۵	سران اروپا تحریم های موجود را به معاهده مینسک متصل کردند. به همین دلیل آن ها، این تحریم ها را تا پایان ۲۰۱۵ تمدید کردند. سران اروپا همچنین بر لزوم مقابله با جنگ های اطلاعاتی روسیه برای انحراف افکار عمومی تأکید کردند. از نکات دیگر این جلسه توافق بر سر اهداف نشست سران مشارکت شرقی که در ۲۲ می ۲۰۱۵ در ریگا اتفاق می افتد بود.
۶,۵,۲۰۱۵	سه شخص دیگر هم توسط شورای وزیران مورد تحریم های اتحادیه قرار گرفتند.
۶,۱۹,۲۰۱۵	در پاسخ به الحاق کریمه، شورا تحریم ها را تا ۲۳ جون ۲۰۱۶ تمدید کرد. این تحریم ها شامل محدودیت واردات کالا، سرمایه گذاری، تورسم، خدمات و محدودیت در صادرات برخی کالاها و تکنولوژی هاست.
۶,۲۲,۲۰۱۵	شورا تحریم های اقتصادی را تا ۳۱ ژانویه ۲۰۱۶ تمدید کرد. این تحریم ها شامل برخی مبادلات با روسیه در امور مالی، انرژی، دفاعی، و کالاهای با استفاده های دوگانه است.
۹,۱۴,۲۰۱۵	شورا تحریم ها را تا ۱۵ مارس ۲۰۱۶ تمدید کرد. این تحریم ها شامل ضبط دارایی ها و محدودیت سفر برای ۱۴۹ شخص و ۳۷ تشکل است.
۱۲,۲۱,۲۰۱۵	شورا تحریم های اقتصادی علیه روسیه را تا ۳۱ جولای ۲۰۱۶ تمدید کرد. از آن جایی که در مارس ۲۰۱۵ رهبران اروپا تصمیم گرفتند تا تحریم ها را به اجرای موافقت نامه مینسک پیوند دهند و موارد این موافقت نامه تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵ اجرایی نخواهد شد، از این رو این تحریم ها تمدید شد.
۳,۴,۲۰۱۶	شورا ضبط دارایی های ۱۶ نفر را به دلیل سوءاستفاده از بودجه دولتی اوکراین تمدید کردند.



ضمیمه	
شورا به دلیل نقض حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال اوکراین، اقدامات محدود کننده ۱۴۶ شخص و ۳۷ شرکت را تا ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۶ تمدید کردند.	۳،۱۰،۲۰۱۶
شورا اقدامات محدود کننده‌ای که در پاسخ به الحاق غیرقانونی کریمه و سواستوپول توسط روسیه علیه این کشور وضع شده بود را تا ۲۳ جون ۲۰۱۷ تمدید کردند. این اقدامات شامل اشخاص و شرکت‌های اروپایی می‌شود و آن‌ها را از دسترسی به قلمرو کریمه و سواستوپول منع می‌کند.	۶،۱۷،۲۰۱۶
شورا تحریم‌های اقتصادی را که علیه برخی بخش‌های اقتصاد روسیه وضع شده بود را تا ۳۱ ژانویه ۲۰۱۷ تمدید کردند. در ۱۹ مارس ۲۰۱۵ شورای اروپایی تصمیم گرفت تا زمان تحریم‌ها به اجرای موافقت‌نامه مینسک پیوند زند. در پی برآورد اجرای موافقت‌نامه در جولای ۲۰۱۶ شورا تصمیم گرفت تا تحریم‌ها را برای شش ماه دیگر تمدید کند.	۷،۱،۲۰۱۶
اتحادیه اروپا شش نفر از دوماي روسیه را که توسط کریمه و سواستوپول انتخاب شده‌اند را به لیست تحریم‌ها اضافه کرد.	۱۱،۹،۲۰۱۶
به دنبال تصمیم شورای اروپایی در ۱۵ دسامبر ۲۰۱۶، که در آن اجرای توافقنامه مینسک مورد بررسی قرار گرفت، شورای وزیران تحریم‌های اعمالی علیه برخی بخش‌های روسیه را تا ۳۱ جولای ۲۰۱۷ تمدید کرد.	۱۲،۱۹،۲۰۱۶
شورا ضبط دارایی‌های ۱۵ نفر را که در استفاده از دارایی‌های دولت اوکراین سوءاستفاده کرده‌اند تا ۶ مارس ۲۰۱۸ تمدید کرد.	۳،۳،۲۰۱۷
شورا تحریم‌های اعمال شده شامل ضبط دارایی‌ها و ممنوعیت مسافرت ۱۵۰ نفر و ۳۷ شرکت را تا ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۷ تمدید کرد.	۳،۱۳،۲۰۱۷
شورا اقدامات محدود کننده‌ای که در پاسخ به الحاق غیرقانونی کریمه و سواستوپول توسط روسیه علیه این کشور وضع شده بود را تا ۲۳ جون ۲۰۱۸ تمدید کردند. این اقدامات شامل اشخاص و شرکت‌های اروپایی می‌شود و آن‌ها را از دسترسی به قلمرو کریمه و سواستوپول منع می‌کند.	۶،۱۹،۲۰۱۷
شورا تحریم‌های اعمال شده علیه برخی از بخش‌های روسیه تا ۳۱ ژانویه ۲۰۱۸ تمدید کرد. این تصمیم پیرو آخرین بررسی‌های مشترک امانوئل مکرون و صدراعظم مرکل در تاریخ ۲۲ و ۲۳ جون ۲۰۱۷ در شورای اروپایی در خصوص نحوه اجرای موافقت‌نامه مینسک اتخاذ شده است.	۶،۲۸،۲۰۱۷
اتحادیه اروپا سه تبعه روس و سه شرکتی را که در انتقال توربین‌های گازی به روسیه نقش داشته‌اند را به لیست تحریم‌های خود اضافه کرد.	۸،۴،۲۰۱۷
شورای وزیران تحریم‌هایی را که تاکنون شامل ۱۴۹ شخص و ۲۸ تشکل می‌شود را تا ۱۵ مارس ۲۰۱۸ تمدید کرد.	۹،۱۴،۲۰۱۷
شورای وزیران فرماندار سواستوپول را به لیست تحریم‌های خود اضافه کرد.	۱۱،۲۱،۲۰۱۷

ضمیمه	
شورا تحریم‌های اعمال شده علیه برخی از بخش‌های روسیه تا ۳۱ جولای ۲۰۱۸ تمدید کرد. این تصمیم پیرو آخرین بررسی‌های مشترک امانوئل مکرون و صدراعظم مرکل در تاریخ ۱۴ دسامبر ۲۰۱۷ در شورای اروپایی در خصوص نحوه اجرای موافقت‌نامه مینسک اتخاذ شده است.	۱۲,۲۱,۲۰۱۷
شورا ضبط دارایی‌های ۱۳ نفر را که در سوءاستفاده از دارایی‌های دولتی اوکراین نقش داشته‌اند را تا ۶ مارس ۲۰۱۷ تمدید کرد.	۳,۵,۲۰۱۸
شورا تحریم‌هایی را که تاکنون شامل ۱۵۰ نفر و ۳۸ تشکل می‌شود را تا ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۸ تمدید کرد.	۳,۱۲,۲۰۱۸
Timeline - EU restrictive measures in response to the crisis in Ukraine,) (2018	



فهرست منابع

- ایزدی، پیروز (۱۳۸۷). *معاهده لیسبون گامی دیگر در وحدت اروپا*. مجله راهبرد، شماره ۴۷.
- حکمت، ناصر؛ رضانی، محمدعلی (۱۳۹۴). *تحلیل عملکرد سیاست همسایگی اتحادیه اروپا مطالعه موردی اوکراین*. پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۴۹-۷۱.
- زادوخین (۱۳۸۴). *سیاست خارجی روسیه، خودآگاهی و منافع ملی* (مهدی سنائی، ترجمه). تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات راهبردی ابرار معاصر.
- صفری، عسگر؛ وثوقی، سعید (۱۳۹۵). *ژئوپلیتیک اوکراین و نقش آن در رقابت روسیه و ایالات متحده آمریکا*. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۱۰۹-۱۳۶.
- مجیدی، محمدرضا؛ ثمودی پیلهرود، علیرضا؛ نورعلی وند، یاسر (۱۳۹۲). *سیاست خارجی، امنیتی و دفاعی اتحادیه اروپا پس از جنگ سرد*. تهران: نشر خرسندی.

References

- A divided Ukraine (2014, 33). Retrieved from Cable News Network: <http://www.cnn.com/interactive/2014/02/world/ukraine-divided/>
- An Insider's View of EU Efforts in Kosovo. (2012, 11 7). Retrieved from The Spiegel Online: <http://www.spiegel.de/international/europe/veteran-insider-provides-grim-account-of-eulex-efforts-in-kosovo-a-865650.html>
- Bislimi, F. T (2012). International Statebuilding in Kosovo: The Shifting Trend in the Level of US–EU Involvement. THE WESTERN BALKANS POLICY REVIEW, 2(2), 48-72. Retrieved from <http://www.kppcenter.org/wbpreview.html>
- Cohen, B. (1993). Why Europe Failed to Halt The Genocide in Bosnia.
- Collaku, P. (2015). Deadly 2004 Unrest ‘Damaged Kosovo’s Image’. Retrieved from Balkan Transitional Justice: <http://www.balkaninsight.com/en/article/march-events-have-faded-kosovo-s-image>
- Dedman, M. J (2010). The Origins and Development of the European Union 1945-2008 (Second ed). New York: Routledge.
- EU Civilian and Military Missions (2003). Retrieved from London School of Economics and Political Science: http://www.lse.ac.uk/international_Relations/centresandunits/EFPU/EFPUpdfs/EU-Civilian-and-Military.
- Daalder, I., & M. O’Hanlon (1999). Unlearning the lessons of Kosovo. Foreign Policy, 116, 128-140. Retrieved from <http://www.jstor.org/stable/1149651>
- Jarosiewicz, Aleksandra., Kłysiński, Kamil., & Wiśniewsk, Iwona (2010). Common Economic Space: another step towards integration focused on Russia. Retrieved from The Centre for Eastern Studies (OSW): <https://www.osw.waw.pl/en/publikacje/analyses/2010-12-15/common-economic-space-another-step-towards-integration-focused-russia>.
- Jozwiak, R (2017). After Four Years Of Drama, EU-Ukraine Association Agreement Comes Into Force. Brussels: Radio Free Europe/Radio Liberty.
- Kostanyan, H (2017). Assessing European Neighbourhood Policy, Perspectives from the Literature. London: Rowman & Littlefield International, Ltd.
- Kozlenko, S., & Heintz, J (2015). Troubled Ukraine Marks Year Since Protest Bloodbath in Kiev. Retrieved from ABC News Internet Ventures: <http://web.archive.org/web/20150221015130/http://abcnews.go.com/International/wireStory/troubled-ukraine-marks-year-protest-bloodbath-kiev-29103345>
- Latawski, Paul., & Smith, Martin (2003). The Kosovo crisis and the evolution of post-Cold War European security. Manchester and New York: Manchester University Press.



- Laursen, F (2012). The EU's Lisbon Treaty, Institutional Choices and Implementation. Surrey: Ashgate.
- Legvold, R (2015). Robert Legvold on the New Cold War, Interview with Columbia University Professor and Leading Russia Scholar. (S. Ramani, Interviewer) Retrieved from https://www.huffingtonpost.com/samuel-ramani/robert-legvold-on-the-new_b_8514120.html#
- Lindsay, H (2017). Top 10 Facts About the Kosovo War. Retrieved from The Borgen Project: <https://borgenproject.org/the-kosovo-war/>
- Parish, M (2014). Kosovo and Crimea – what's the difference? Retrieved from Transconflict: <http://www.transconflict.com/2014/06/kosovo-and-crimea-whats-the-difference-026/>
- Piris, J.-C (2010). The Lisbon Treaty, a Legal and Political Analysis. Cambridge: Cambridge University Press.
- Quackenbush, S. L (2014). International Conflict, Logic and Evidence. Los Angeles: SAGE.
- Ray, Julie., & Esipova, Neli. (2018). Ukrainians, Russians More Polarized on Future of Relations. Retrieved from Gallup: <http://news.gallup.com/poll/228086/ukrainians-russians-polarized-future-relations.aspx>
- Rights, O. o (2017). Report on the human rights situation in Ukraine - 16 August to 15 November 2017. United Nations, Human Rights, Office of High Commissioner. Retrieved from https://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/UARreport20th_EN.pdf
- Schneider, K (2001). The Partnership and Co-operation Agreement (PCA) between Ukraine and the EU — Idea and Reality. Ukraine on the Road to Europe (pp. 66-78). Heidelberg: Hoffmann L., Möllers F. (eds).
- Shepherd, A. J (2009). A milestone in the history of the EU': Kosovo and the EU's international role. International Affairs, 85(3), 513-530. Retrieved from <https://doi.org/10.1111/j.1468-2346.2009.00811.x>
- Smith, N. R (2016). Employing a Neoclassical Realist Framework for the Analysis of the EUs Deep and Comprehensive Free Trade Agreement offer to Ukraine. International Relations, 29-48.
- Staff, R (2017). Russian gas exports via Ukraine up 23 pct this year. Retrieved from Reuters: <https://www.reuters.com/article/ukraine-gas-transit/russian-gas-exports-via-ukraine-up-23-pct-this-year-idUSL8N1LI10E>
- The history of the European Union. (n.d.). Retrieved from The Official Website of the European Union: https://europa.eu/european-union/about-eu/history/1970-1979/1970_en
- Timeline - EU restrictive measures in response to the crisis in Ukraine (2018). Retrieved from European Council and Council of the European Union: <http://www.consilium.europa.eu/en/policies/sanctions/ukraine-crisis/history-ukraine-crisis/>

- Treaty of Amsterdam (1997). Retrieved from European Parliament: [http:// www. europarl.europa.eu/topics/treaty/pdf/amst-en.pdf](http://www.europarl.europa.eu/topics/treaty/pdf/amst-en.pdf)
- Tweedie, N (2009). Kosovo War: Thousands killed as Serb forces tried to keep control of province. Retrieved from The Telegraph: [https://www. telegraph.co.uk/news/worldnews/europe/kosovo/5084374/Kosovo-War-Thousands-killed-as-Serb-forces-tried-to-keep-control-of-province.html](https://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/europe/kosovo/5084374/Kosovo-War-Thousands-killed-as-Serb-forces-tried-to-keep-control-of-province.html)
- Ukraine crisis: timeline of major events. (2015). Retrieved from The Telegraph: <https://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/europe/ukraine/11449122/Ukraine-crisis-timeline-of-major-events.html>
- Vasovic, A., & Pawlak, J (2013). EU brokers historic Kosovo deal, door opens to Serbia accession. Retrieved from Reuters: <https://www.reuters.com/article/us-serbia-kosovo-eu/eu-brokers-historic-kosovo-deal-door-opens-to-serbia-accession-idUSBRE93I0IB20130419>
- Velychenko, S (2007). Ukraine, the EU and Russia, History, Culture and International Relations. New York: Palgrave Macmillan.
- Velychenko, S. (2007). Ukraine: EU Member or a Second Belarus? In S. Velychenko, Ukraine, the EU and Russia (pp. 1-52). New York: PALGRAVE MACMILLAN.
- Waterfield, B (2009). Lisbon Treaty Q & A: your guide to what it means and what happens next. Retrieved from The Telegraph: [https://www. telegraph. co. uk/ news/ majornews/ 6257617/ Lisbon- Treaty- Q-and-A-your-guide-to-what-it-means-and-what-happens-next.html#top](https://www.telegraph.co.uk/news/majornews/6257617/Lisbon-Treaty-Q-and-A-your-guide-to-what-it-means-and-what-happens-next.html#top)